

میرپری شهری

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳

No.35 Summer 2014

۸۷-۱۰۲

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷

بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان

محمد رضا پور جعفر* - استاد تمام گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علی اکبر تقوایی - دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

پرویز آزاد فلاح - دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علی رضا صادقی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

به نظر می‌رسد اگر فرم شهر را کلیه عناصری از محیط طبیعی و انسان ساخت پیرامون آدمی بدانیم که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد، استخوان‌بندی اصلی شهر مشخصه بنیادینی از فرم شهر باشد. از سوی دیگر زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تأکید بر نامحدود بودن تجربه محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، بر کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط تاکید کرده است. تجربه‌ای که می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد. با توجه به آنچه گفته شد در این نوشتار با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردي و شیوه‌های تحقیق موروث متنون، منابع و اسناد تصویری، به بازخوانی ابعاد بصری - فرمی (در برگیرنده خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری) (و ادراکی - معنایی (در برگیرنده خصوصیات محیط رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهری) زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته شده است. این مهم از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تجربه زیبایی‌شناسی، محیط انسان ساخت،
ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی، فرم شهر اصفهان.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۵۷۱؛ رایانمه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی اسلامی» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پور جعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزاد فلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

مقدمه و بیان مساله

میانی قرن گذشته میلادی و به دنبال همه گیر شدن اثرات مخرب ناشی از نگرش تکساحتی به انسان و شهر پا به عرصه وجود گذاشت. نتایج ناشی از تسلط تفکرات مدرنیستی بر انسان و شهر از یک سو و بروز جنگ جهانی دوم و ویرانی شهرها در غرب از سوی دیگر، در پیشرفت سریع این رشته تاثیر به سزاگی داشته است. این حرفه امروزه در کشورهای در حال توسعه چون ایران که با مشکلات کالبدی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از صنعتی شدن در شهرهای خود روبه رو هستند، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. به واقع هدف عمدۀ این دانش برقراری تعادل در رابطه بین انسان و محیط پیرامون اوست. چرا که انسان همواره با محیط اطراف خود در رابطه و تعامل بوده و احساس، ادراک و شهود جنبه‌های مختلف آن را ز راه حواس خود، به ویژه حس باصره، در دستور کار خود داشته است. محیط پیرامون انسان از عوامل و پدیده‌های طبیعی، عناصر انسان‌ساخت و محصول توسعه و رشد جوامع انسانی و کنش متقابل بین پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت شکل گرفته است. در واقع انسان همواره رابطه‌ای نزدیک، مستقیم و بدون واسطه با محیط پیرامون خود داشته و در این رابطه تعامل و پویا، هم استفاده‌کننده از محیط، هم خلق‌کننده محیط و هم متسافانه تخریب‌کننده محیط بوده است. امروزه نتایج حاصل از استفاده نامطلوب انسان از محیط طبیعی و انسان‌ساخت اطراف خود، علاوه بر مشکلات کالبدی و عملکردی، زمینه گستالت پیوند معنایی - ادراکی میان انسان و شهر را بیش فراهم آورده است. از این‌رو طراحی شهری به عنوان حرفه، دانش، علم و هنری که وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع آدمی را بر عهده دارد، تلاش دارد تا با استفاده از تکنیک‌های طراحی محیط و تاکید بر ترجیحات انسانی، زمینه پیوند معنایی - ادراکی میان شهر و شهروندان را فراهم آورد. در مباحث طراحی شهری و در فرآیند بهبود کیفیت محیط، ارتقاکیفیت‌های زیباشناختی محیطی در عرصه‌های عمومی شهری از جایگاه والا یی برخوردار است. با توجه به آنچه گفته شد بازشناخت ابعاد و عناصر زیباشناختی شناسی محیطی فرم ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو این نوشتار با استفاده از

طرح شدن مبحث زیباشناختی محیطی، به اوائل قرن بیستم (زمانی که مردم آگاهی بیشتری از محیط طبیعی و مصنوع پیرامون خود بدست آورده‌اند) و اوج گیری آن به اواسط قرن گذشته میلادی بازمی‌گردد. گسترش این مبحث همزمان با کاسته شدن از نفوذ نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم برداش زیباشناختی بوده است. در واقع با گسترش نظریه اکسپرسیونیستی هنر، نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم به حاشیه رانده شدند و ادراک زیباشناختی دستخوش تغییر شد. این تغییر آنقدر اهمیت داشت که بتوان آن را تغییر در الگوی مسلط زیباشناختی دانست چراکه باعث شد پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های اثر هنری جدا و منفک شده از بافت پیرامونش، رفتۀ رفته جای خود را به پارادایمی دهد که بر برقراری رابطه عاطفی با جنبه‌های گوناگون پدیده و برخورداری از شناختی غنی از ویژگی‌های پدیده مورد مطالعه تاکید می‌کرد. اما پارادایم جدید تقریباً فقط متناسب درک هنر بود و در آن گذاشته شد و درک زیباشناختی محیط را ناقص، بی اهمیت، شخصی و نارسا می‌دانست. هیپورن در سال ۱۹۶۶ به شیوه نگرش زیباشناختی تحلیلی به موضوع شناخت محیط انتقاد کرد و بر ظرفیت محیط به عنوان منبعی که می‌توان با بهره‌گیری از آن به نوعی تجربه زیباشناختی متفاوت دست یافت، تاکید کرد. در واقع پارادایم زیباشناختی محیطی پارادایمی است که با تاکید بر نامحدود بودن محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، راه کسب تجربه زیباشناختی از محیط را هموارتر کرده است. این تجربه می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد.

از سوی دیگر طراحی شهری به شکل امروزی و به عنوان حرفه، علم و هنری در خدمت انسان، وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست شهری آدمی را - چه طبیعی و چه انسان ساخت - بر عهده دارد. دانش طراحی شهری به عنوان یک رشته دانشگاهی، به طور مشخص در دهه‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرورمنون، منابع و اسناد تصویری و از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوانبندی اصلی شهر اصفهان، به ارائه ابعاد و عناصر زیبایی شناسی محیطی فرم شهر پرداخته است.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش رویکردهای اصلی در زمینه فرم، فرم شهر و استخوانبندی اصلی در طراحی شهری در مورد مفهوم فرم، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول

جدول ۱. دیدگاه‌های مختلف در مورد فرم و مفاهیم مرتبط با آن؛ مأخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

بنیان فکری دیدگاه	تعاریف فرم
دیدگاه اول	<p>فرم به طور کلی شکل یا ساختار یک چیز منفک از موادی که آن را ساخته‌اند و منفک از مضمون یا محتوای آن است. فرم به عنوان اصطلاحی در زیبایی‌شناسی، به عناصر مفهومی یک کار هنری و به ارتباطات میان عناصر مذبور اشاره می‌کند. فرمالیسم آن دکترین زیباشناختی است که در آن این عناصر فرم‌مال و مرتبط با هم، جایگاه اصلی ارزش مرجع یا سودمندی آن می‌باشد (Enc. Of Aesthetics, ۱۹۹۸, ۲۱۳). در واقع هرگونه نقدي که نفس یک اثر هنری، نه سازنده و مخاطب آن را به عنوان موضوع اصلی خود مورد توجه قرار دهد و نحوه ساخته شدن اثر را مطالعه کند، سر و کارش با ویژگی‌های فرمی آن خواهد بود (شپرد، ۱۳۷۷، ۷۳). از جمله ویژگی‌های فرمی در معماری می‌توان از تقارن، تناسب، وزن بصری، ریتم، غلبه خطوط عمودی یا افقی در کل ترکیب‌بندی و از ویژگی‌های فرمی در شهرسازی می‌توان از میزان مخصوصیت، وجود محور، میزان اوج و فرود و شکل خط آسمان، بود و نبود تجانس و تشابه در نمایی ساختمان‌های به وجود آورنده فضای شهری نام برد.</p>
دیدگاه دوم	<p>تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکان‌پذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی‌توان تصور کرد و نه محتوای را می‌توان بدون فرم تخیل کرد. فرم جنبه قابل احساس یک پدیده است. فرم همیشه حالتی کالبدی ندارد. فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسد و بیان آن است. تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. (گروتر، ۱۳۸۳) عنصر زیباشناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که در محتوای آن نیز وجود دارد. منظور از تظاهر حسی، ظاهر بالقوه یک پدیده است که در فرایند ادراک خود را بالفعل نموده، توسط انسان احساس می‌شود. این عینیت پس از ادراک و تجربه توسط انسان ارزشگذاری شده و فرد در مقابل آن عکس‌العمل عاطفی و عقلی نشان می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۵۰-۵۸) فرم یا صورت، کلیتی است وحدت یافته از شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی. جنبه کالبدی فرم دارای شکل، رنگ گشتالت، بافت، پیکره، جایگاه، جهت (وضع قرارگیری)، تعادل بصری (درجه سختی و نرمی)، ساختار و غیره می‌باشد. منحصر کردن فرم به شکل نه فقط مجال نیست، بلکه تالی فاسد خود را به همراه دارد. مهمترین آن گریبانگیر طراحی است که معماری و طراحی شهری را، فقط تأثیرگذاری بر وجود کالبدی و بدتر جنبه‌های بصری کالبدی می‌پندازند (زیرا شکل یک امر بصری است). فرم یا صورت خود را در سه بعد مطرح کرده و فقط در قالب زمان و مکان ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴)</p>

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۸۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۰

از سوی دیگر شهر به عنوان ساختاری مصنوع، یک محیط محسوب می‌گردد و محیطی است که مستقل از شخص ادراک کننده عمل می‌کند. انسان در برخورد با محیط شهری با انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف روبروست که می‌تواند اطلاعات را برداشت، اندازه‌گیری، توضیح و شمارش کند. این اطلاعات معرف مشخصات واقعی شهر و واقعیت‌های موجود در محیط می‌باشند. این اطلاعات در مجموع در ادبیات طراحی شهری به «فرم شهر» معروفند. البته لازم به ذکر است که منظور از «فرم شهر» به عنوان یک اصطلاح رانمی‌بایستی با منظوری که از اصطلاح «فرم» میان کلیه طراحان از نقاشی گرفته تا معماری و طراحی شهری می‌رود اشتباه گرفت. در اولی که واژه‌ای ترکیبی است و منظور کلیه اطلاعات محیطی است؛ در صورتی که در دومی منظور از «فرم»، ظاهر یا صورت در مقابل محتوا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

در واقع فرم شهر از کلیه عناصر و اجزای کالبدی و قابل رویت شهر شکل می‌پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوع می‌باشد. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد. کوچکترین اجزا و عناصر مصنوع این ترکیب، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضای باز و تاسیسات شهری می‌باشند. عناصر عمده محیط طبیعی، مثل ناهمواری‌های زمین، جریان‌های آبی، و پوشش‌گیاهی، در چگونگی و فرم ترکیب عناصر کالبدی دخالت دارند. فرم مشخصه‌ای سه بعدی است، بدین معناکه نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز متبلور است. هر کدام از عناصر شهری که به منزله یک سلول شهری می‌باشند، به تنها بی «فرم» و بیزه خود را دارند. ترکیب مجموعه‌ای از آنها نیز به پدید آمدن یک «فرم شهری» منجر می‌شود (حمیدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۳-۴۲۴). در همین زمینه مورفولوژی شهری، مطالعه فرم و شکل سکونتگاه‌هایست و باعث می‌شود که طراحان از الگوهای مکانی توسعه و فرایندهای تغییر و تحول آگاه شوند. کار ابتدایی و اصلی در این نوع مطالعات متمرکز بر تحلیل تکامل و تغییر در فضای شهری سنتی است. مورفولوژی شهری نشان میدهد که سکونتگاه‌ها را می‌توان توسط عناصر کلیدی ای چون کاربری‌های زمین، ساختارهای ساخت و ساز،

الگوی قطعات و الگوی خیابان مورد بررسی قرارداد و بر تفاوت دوام و طول عمر این عناصر تاکید می‌کند به طوری که الگوی خیابان پرداخته‌ترین و کاربری کم دوام‌ترین و متغیرترین آنها می‌باشد. در واقع هرچه مقیاس عنصر بزرگتر باشد، دوام آن بیشتر است و تغییر و تحولات در آن زمان بیشتری می‌برد. (Carmona, 2006, p63).

از این‌رو «فرم شهر» شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. بنابراین کلیه اطلاعات واقعی در محیط شهر، «فرم شهر» نامیده می‌شود. عناصر تشکیل دهنده «فرم شهر» می‌تواند مادی یا غیرمادی باشند. به همین خاطر کلیه جنبه‌های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی یک محیط یا یک شهر را شامل می‌گردد. در وادی طراحی شهری فرم شهر نه فقط ظاهر یا کالبد یک فضا، بلکه معنا، فعالیتها و کاربریهای منتج از آنان را نیز شامل می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۶). انواع فرم شهر را از زوایای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. کوین لینچ در کتاب شکل (فرم) خوب شهر، فرم شهر را از دید شکل کلی شهر؛ از دید مکان‌های مرکزی؛ از دید بافت و ساخت شهر؛ از دید نوع شبکه‌های ارتباطی؛ از نظر فضاهای باز عمومی؛ و از نظر سازمان زمانی (ونه‌فضایی) شهر بررسی کرده است. به واقع فرم شهر برآیند نیروهای اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است که خود را در کالبدی سه بعدی تماش می‌دهد. جان جامعه انسانی در جسم فرم شهری نمودار می‌شود. نوع درآمدهای اقتصادی، جریان سرمایه، تحولات و پیشینه تاریخی یک شهر به همان اندازه در شکل و فرم بیرونی آن متجلی می‌شود که نوع حکومت، شیوه‌های اداره‌ی جامعه، سلیقه‌ی زیبایی شناختی مردم و فناوریهای ساخت جامعه. اهمیت فرم شهر، به خاطر نقشی است که فرم شهر می‌تواند در تحقق اهداف یک شهر بر عهده داشته باشد؛ چراکه بین بعضی از اهداف شهر و فرم شهر رابطه مستقیم وجود دارد. بعضی از اهداف مثل اهداف دفاعی و امنیتی، تاثیر مستقیم و بعضی دیگر مثل اهداف اقلیمی و جغرافیایی، تاثیر ضمیمی بر فرم شهر می‌گذارند. (طیبی و غفاری، ۱۳۸۹) بدین ترتیب اگر پذیریم که ایجاد تصور ذهنی از محیط شهری ایجاد حس جهت‌یابی، بالا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۱

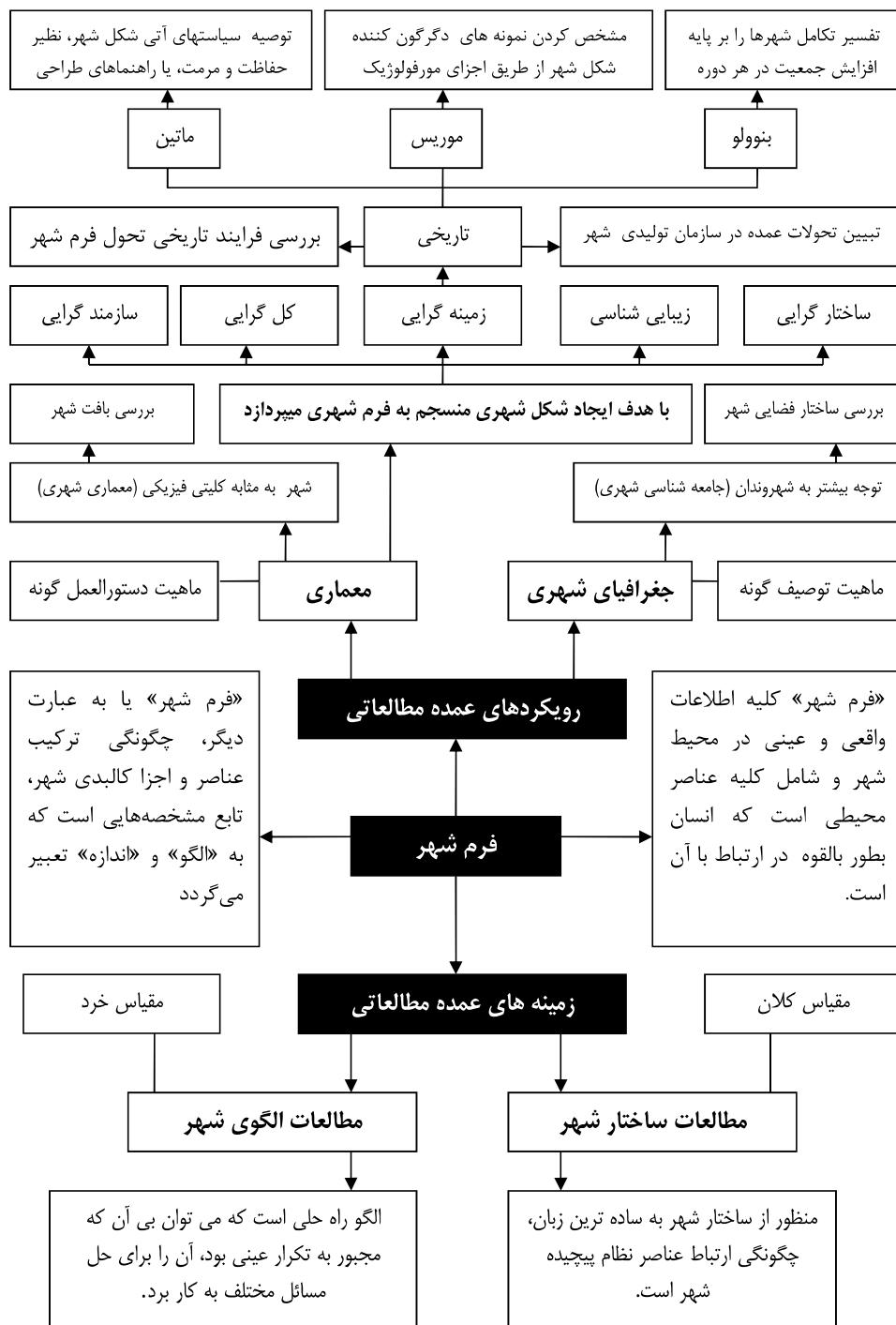
محدوده‌ای خاص از شهرکه در آن تمرکزهایی کالبدی و فعالیتی و فضایی وجود دارد، اطلاق می‌شود؛ مجموعه‌ای مرکب از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از بنها و فعالیت‌ها و کاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و شالوده سازمان فضایی-کالبدی شهر را به وجود می‌آورد و مبین خصوصیات کلی شهر است. عناصر به وجود آورنده استخوان‌بندی اصلی، در سه گروه: ۱- عناصر کالبدی: (دسترسی‌ها، بناهای شاخص و با ارزش عمومی، بافت‌ها و حوزه‌های همگن با ارزش تاریخی و غیره)؛ ۲- عناصر عملکردی و فعالیتی و ۳- عناصر فضایی-بصري نمادین و معنایی قابل تقسیم است (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۳-۱). سازمان فضایی هندسی منتظم (دایره، مربع، چندضلعی منتظم و غیره)؛ ۲- ارگانیک و انداموار؛ و ۳- مرکب که حاصل ترکیب دو حالت هندسی و ارگانیک است. در نحوه قرارگیری و سازمان فضایی عناصر استخوان‌بندی اصلی و رشد و گسترش این عناصر که در نهایت موجبات گسترش شهر را فراهم می‌آورند، عوامل طبیعی و مصنوع در شهر و پیرامون آن و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عملکردی شهر نقش موثری دارند. ذکر این نکته لازم است که استخوان‌بندی اصلی شهر در هنگام رشد و توسعه شهر، معمولاً به دلیل عوامل تاثیرگذار بالا، از مدل مرکب تبعیت می‌کند. تراکم کالبدی و عملکردی، همچنین تداوم بصری و فیزیکی استخوان‌بندی اصلی باید متناسب با نیازهای شهر و شهرمندان و استفاده‌کنندگان از محیط و پاسخگوی این نیازها باشد. همچنین نسبت توده به فضای عمومی شهری و سازگاری و تناسب فرم شهری و فعالیت در محدوده‌ی استخوان‌بندی اصلی باید از الگوهای متنوع و در عین حال منحصر به فردی تبعیت‌کنند تا ساخت اصلی شهر از تمایزی شاخص با دیگر شهرهای شهر برخوردار گردد و موجبات تشکیل حوزه‌ای همگن و هماهنگ در محدوده ساخت اصلی را فراهم آورد. استخوان‌بندی اصلی شهر به عنوان یک کلیت و عناصر آن به عنوان اجزای این کلیت، مؤلفه‌های هویت دهنده‌ی شهر به شمار می‌آیند و به

بردن راندمان و کارایی شهر، ایجاد حس ایمنی، امنیت و شادی و به طور خلاصه کلیه کارکردهای بصری- ادراکی، یکی از دو کاربرد اصلی مقوله‌ای است که اصطلاحاً فرم شهر نامیده می‌شود بدین ترتیب اهمیت فرم شهر، به عنوان ظرفی که امکان می‌دهد تا فعالیت‌های شهری در آن وقوع بپیونددند، بیش از پیش آشکار می‌گردد. (جوابچی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

در زمینه رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر باید گفت که رویکردهای عمدۀ، که از دو حوزه‌ی مطالعاتی گوناگون به فرم شهر می‌پردازند، جغرافیای شهری و عماری هستند. تفاوت میان ماهیت توصیف گونه‌ی اولی و ماهیت دستور العمل گونه‌ی دومی، زمانی که هر دو بر پدیده‌های شهری متتمرکز می‌شوند، به حداقل می‌رسد. جغرافیا، که با توصیف پدیده‌ها بر سطح کره‌ی زمین، کارش را آغاز کرده بود، در زمینه‌ی جغرافیای شهری تاسطح مطالعات درون‌شهری، باریک بین شد. از سوی دیگر، عماری که در ابتدا، عمدتاً متوجه طراحی و ساخت ساختمان‌های منفرد بود، دامنه‌اش را گستردۀ کرد تا کل شهرها را پوشش دهد. صرف نظر از این نقاط مشترک، رویکردهای متفاوت شان به درک پدیده‌های شهری، که در زمینه‌های متفاوت مورد علاقه شان انعکاس یافته است، آن‌ها را از هم جدا نگه داشته، و شکافی میان آن دو بر جا گذاشته است. در حالی که عماری شهری معمولاً شهر را کلیتی فیزیکی می‌بیند، جغرافیای شهری، در کنار جامعه‌شناسی شهری، بیشتر توجه اش را معطوف مردمی کرده است که در این بافت زندگی می‌کنند. بدین طریق، جغرافیای شهری متوجه بررسی ساختار فضایی شهر است تا بررسی بافت شهر، که در حوزه‌کاری عماری شهری قرار دارد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹) در نمایه شماره ۱، رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر دسته‌بندی شده است.

پس از شناخت مفاهیم فرم و فرم شهر و در زمینه مطالعات ساختار شهر (به عنوان یکی از زمینه‌های مطالعاتی اصلی فرم شهر) به بررسی مفهوم و ویژگی‌های ساختار اصلی یا استخوان‌بندی اصلی شهرها و نقش آن در هویت بخشی به ساختار کالبدی شهر پرداخته شده است. استخوان‌بندی اصلی شهر به

سبب نقشی که در به وجود آوری تصویر ذهنی از شهر و ساخت اصلی شهر مانند یک شبکه ارتباطی، وظیفه ایجاد خاطره‌ی مطلوب از آن در ذهن ناظر بر عهده دارند، انتقال پیام و اطلاعات بصری، فضایی، عملکردی و معنایی را به شهروندان و بازدیدکنندگان بر عهده دارد.



میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۳

هجدهم به کاربرد. او بعدها از این واژه در اشاره به ادراک زیبایی به کمک حواس، به ویژه در هنر برهه جست. کانت با کاربرد این واژه در احکام زیبایی‌شناسی در هر دو عرصه‌ی هنر و طبیعت به آن جانی تازه بخشدید. دامنه‌ی این مفهوم در ادوار متاخر بار دیگر گسترده‌تر شده است. اکنون این واژه را نه تنها در توصیف داوری‌ها یا ارزیابی‌ها، که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌سازند.

زیبایی‌شناسی محیطی، پیوندی چندحسی و فراگیر با محیط است که انسان‌ها از اجزای اصلی آن هستند. در زیبایی‌شناسی محیطی، هنگامی که احساس زیبایی یا تعالی در حد بالایی قرار گیرد، تجربه زیبایی می‌تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. در اینگونه زیبایی‌شناسی، زیبایی یا تعالی می‌تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطراف انسان باشد که بیشترین حد آن در محیطی است که با کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن همراه است. در نظریه زیبایی‌شناسی وايتهد بیان می‌شود که بزرگی یا تنوع تباین‌ها، همراه با خصوصیت شدت یا بزرگنمایی قیاسی، بدون نیاز به تنوع کیفی، قادرند محیطی قدرتمندی ایجاد کنند. در واقع در زیبایی‌شناسی محیطی، کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به زیبایی و تعالی در محیط پیرامون انسان معنا بخشنند. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶-۱۲۳) با مرور تحقیقات انجام شده در حوزه زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری در نیم قرن اخیر مشخص می‌شود که مباحث زیبایی‌شناسی در این حوزه، از مقوله‌ای با تاکیدات بصری - هنری به مقوله‌ای با گرایش‌های ادراکی - معنایی تغییر جهت داده است. این موضوع در تغییر از سبک پیتورسک به گرایشات معناشناسانه در زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری به خوبی نمایان است. پیتورسک با تاکیدی معمارانه بر جنبه‌های بصری - هنری منظر از جمله توجه به کثرت و تنوع، مقیاسی انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیته، گیبرد، و هالپرین رواج می‌یابد (۱۴۶).

بعاد زیبایی‌شناسی محیطی در طراحی شهری

زیبایی همیشه با تحسین بشر همراه بوده است (McGann, 2004). گویا انگیزه زیبایی‌شناسی عمیقاً در طبیعت انسان جا گرفته و آن را به سادگی نمی‌توان از حیات پیچیده ذهنی وی که وجه تمایز انسان از حیوان است، جدا کرد (هاسپرز و اسکرتن، ۱۳۸۰، ص ۸۲). برای زیبایی‌شناسی تعاریف و مصادیق فراوانی برشمرده‌اند که همگی در جای خود درست اما از جهاتی ناقص است؛ در فرهنگ «اصطلاحات فنی و نقادانه فلسفی» لالاند، زیبایی‌شناسی دو معنا در بر می‌گیرد: ۱- هر آنچه به زیبایی مرتبط شود و هر آنچه منش زیبایی را تعریف کند؛ ۲- علمی که موضوعش داوری و ارائه حکم، درباره تفاوت میان زیبا و رشت باشد» در «لغت نامه دهخدا» زیبایی‌شناسی، شناختن زیبایی و رشتہ‌ای از روانشناسی است که هدفش شناسانیدن جمال و هنر است. در فرهنگ «زبان فلسفی فولکلریه»، زیباشناسی دانش اثباتی است که موضوعش زیبایی هنری باشد و مترادف با فلسفه هنر انگاشته شود (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). «زیبایی» نمودی از پدیده است که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده‌ادراک کننده، آن خاصیت را دارد که واکنش‌هایی مبتنی بر تجربه‌های اندوخته شده را برانگیزد (نیوتون، ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). در چیستی زیبایی، «گروتر» بر این نکته اشارت دارد که زیبایی معماری را می‌توان پیامی به سوی حواس یا پذیرنده‌های دریافت کننده زیبایی دانست که از پر اطلاعاتی کافی برخوردار باشد یعنی میزان بداعث آن یا محتوای زیبا شناختی از حد اکثر دریافت ذهنی کمی بیشتر باشد (گروتر، ۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی یا استیتیک از واژه یونانی *s* ۹۴۰ به معنی ادراک حسی گرفته شده و بُن آن واژه Aistheta به معنای مورد ادراک حسی یا چیز محسوس است. ریشه این لغات واژه لاتین *Esthetique* بوده که امروزه در تمام زبان‌های اروپایی استفاده می‌شود و اولین بار توسط فیلسوف آلمانی الکساندر گوتلیب بومگارتن در کتابی به همین نام در سال‌های ۱۷۵۰-۱۷۵۸ به کاربرده شد (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). در واقع واژه زیبایی‌شناسی (Aesthetic) به معنای شناخت حاصل از راه حواس، یعنی همان معرفت حسی رانخستین بار الکساندر باو مگارتن در قرن

بنیاد «قواعد زیبایی‌شناسی» خواهد بود، مغفول نهاد و در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهر را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود. بنابراین تقليد از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خود بیگانگی و بحران هویت خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). در روند ایجاد محیط و فضای زیبا در شهر توجه به نکات زیر به عنوان اساس کار ضرورت دارد: باید توجه کرد که مفاهیمی چون زینت و تزئین و آرایش، جایگزین زیبایی نشوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۴، ب). در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (فضا و محیط) زیبا، نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت مجموعه‌ی مراتب زیبایی یک شهر باید علاوه بر ادارک حسی انسان و ابزار این ادارک، سایر قوای مدرکهای او را نیز متاثر نموده و در واقع، علاوه بر ادارک حسی، ادراکات روانی و معقولی و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند. زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده «با هویت» باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت و استقلال نماید. بزرگترین اشکال تکرار و تقليد الگوهای زیبایی مأخوذه از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی)، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است. معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، ما بازاء و مرتبط با آن است وجود داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰ - ۲۹۳). دو مکتب فکری برای درک زیبایی قابل تعریف هستند. یکی عوامل ادارکی در زمان ادارک را مدد نظر دارد و دیگری عوامل غیرادرکی، مثل فرهنگ، دانش علمی و الگوها را موثر می‌داند. با توجه به منابع دریافت اطلاعات انسان، با ملحوظ داشتن آرمان و ایده‌آل‌های انسان که از جهان‌بینی و فرهنگ‌سروچشم می‌گیرند و با عنایت به ادراکات انسان، می‌توان عواملی را

(Sitte, 1945; Gibberd, 1945؛ عماری شی‌گونه) را تبلیغ می‌کنند، کالن به «هنر ارتباطات» اهمیت می‌دهد، تجربه مکان را با حرکت در هم می‌آمیزد و دیدهای متوالی از محیط شهری را مطرح می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). رویکرد کالن علیرغم بداعتیش در زمینه ادراک زیبایی در حین حرکت، به دلیل تاکید بر جنبه‌های ادراکی - احساسی شخصی از تجربه منظر شهری مورد انتقاد قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، زیبایی‌شناسی شهری قابلیت رقابت با دیدگاه‌های جیکوبز و نیومن که در رده‌های ۶۰ و ۷۰ در علوم اجتماعی و علوم رفتاری توسعه می‌یافتد (Jacobs, 1961؛ 1972؛ Newman, 1980) یا نظریه‌های پدیدارشناسانه شامل کارهای رلف یا جکسون (Relph, 1976؛ Jakson, 1980)، و یا مبانی نظریه‌ای و فلسفی کارهای نوربرگ شولز (Norberg-Schulz, 1980) در دهه بعد رانداشت. این مفاهیم فکری جدید و توجه به ابعاد مختلف طراحی شهری، بحث‌های زیبایی‌شناسی و به طور خاص پیترسک و رویکرد کالن را تضعیف کرد و مطالعات زیبایی‌شناسی فرمی‌منظور شهری را به حاشیه راند. به تدریج زیبایی‌شناسی منظر شهری از حوزه تاکیدات عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی - ذهنی از محیط شهری انتقال یافت. به همین دلیل، نظریه‌های زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری بیش از آنکه در حوزه کالبدی طراحی شهری مطرح شود در حوزه مطالعات روانشناختی محیط بسط می‌یابد از آن جمله می‌توان به نظریه بقای اپلتون در ترجیحات زیبایی اشاره کرد که ارتباطی بین شرایط مناسب برای بقا و زیبایی جستجو می‌کند (Appleton, 1984). استفان کپلان در نظریه تکاملی وی بر اطاعات مردم و میزان آشنازی با منظر، جهت‌یابی، و کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تاکید دارد (امین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳-۱۴).

در دیدگاه زیبایی‌شناسی محیطی، فضای شهری، فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیبایی‌شناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری. طبیعی است که با پذیرش این نظریه، نباید جهان‌بینی و تفکری را که

میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۵

استفاده از ابعاد زیبایی شناسی محیطی در استخوانبندی اصلی شهر اصفهان چنانچه فرم شهرهای کهن در نقاط مختلف جهان بررسی شود، در بسیاری از آنها وجود یک استخوانبندی مشخص مشهود است که مؤید نقش و اهمیت استخوانبندی اصلی نه تنها در ادامه حیات شهر بلکه در رشد و یافتن نظم و سازمانی فضایی است. به نظر می‌رسد یکی از وجوده مشترک در شکل‌گیری، بقا و احیای استخوانبندی اصلی شهرها، استفاده از مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی (بصری - فرمی و ادراکی - معنایی) در طراحی شهری و سازماندهی فرم اینگونه شهرها باشد. در جدول شماره ۳ استخوانبندی اصلی شهر اصفهان و نقش ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی در شکل‌گیری فرم آنها تحلیل شده است. تاریخ اصفهان از دو هزار و پانصد سال پیش شروع شد. این شهر در دوران حکومت آل بویه، سلجوقیان و صفویه پایتخت بوده است. ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۰۹) (قرن چهارم هجری) از دو بخش در اصفهان نام می‌برد، یکی موسوم به «يهودیه» و دیگری موسوم به «شهرستان» و میان آنها دو مایل فاصله است. یهودیه بزرگتر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است. جی شهری حکومتی با طرح پیش آمده شده، تابع نظم هندسی با دیوار و دروازه‌ها و کاخ‌ها و بناها و باغ‌های معین بوده است. میدان بیرون دروازه‌ی یهودیه، حتی بر عکس جانشین آن، میدان کهنه، می‌باشد دارای طرح هندسی بوده باشد. در مقابل یهودیه شهری بدون هندسه‌ی منظم، بدون طرحی از پیش آمده شده بوده است و بناهای عمده آن، از جمله کنیسه‌ها، در روند شکل‌یابی از درون به بیرون از نظم هندسی تابعیت کرده و با (بی‌نظمی) بیرونی پیوند می‌خورند. این روند در سراسر توسعه‌ی شهر اصفهان تا قبل از صفویه مشاهده می‌گردد (میر فدرسکی، ۱۳۷۴، ص ۷-۱۲). اصفهان در دوران صفویه و حکومت شاه عباس اصفهان پس از قزوین پایتخت صفویه می‌گردد. در سفرنامه‌ها آمده است در دوران حکومت شاه عباس شهر اصفهان یکی از توسعه یافته‌ترین شهرهای ایران بوده و این شهر دارای خیابان‌های عربیض، میدان‌های بزرگ، مساجد و کاخ‌های

به عنوان عوامل ادراک زیبایی معرفی نمود. به عبارت دیگر، عواملی قابل طرح هستند که انسان‌هایی با تفکر، فرهنگ، محیط و آرمان‌های متفاوت، آن عوامل را به عنوان عامل درک زیبایی می‌شناسند و در هر صورت (با شدت و ضعف متفاوت) آنها را عامل زیبا بودن یک پدیده به شمار می‌آورند. برخی عوامل موثر بر ادراک زیبایی شهر عبارتند از: وحدت، تجرد، حیات، تناسب، رنگ، حس کمال، ارتباط با تاریخ، کمال مطلوب، ارضی نیازها، تخیل ناظر، تعصبات، ارزش‌ها، ممارست، کرامت انسان، ارزش‌گذاری، توجه به کلیت، اقتناع ادراکات حسی، نماد و نشانه و رمز و معنا، تازگی و طراوات، سلیقه، شлагوی و ازدحام، آگاهی دادن، بری بودن از ششته‌ها (همان، ص ۲۹۳-۳۰۲). با توجه به آنچه گفته شد امروزه توجه به زیبایی شناسی محیطی، تبیین مؤلفه‌های آن و استفاده از این مؤلفه‌ها در تحلیل فضاهای شهری از ضروریات طراحی شهری است. گلکار، مؤلفه‌های زیباشناختی محیطی در طراحی شهری را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. مؤلفه‌های بصری - زیباشناختی محیط کالبدی - فضایی (محیط عینی) شامل استخوانبندی فضایی، سازمان کالبدی، جایگشت، توده - فضا، نقشه‌نولی، مواد و مصالح وغیره؛
۲. مؤلفه‌های بصری - زیباشناختی محیط ادراکی حسی (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختاری نمای شهری وغیره؛
۳. مؤلفه‌های بصری - زیباشناختی محیط ادراکی ذهنی (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی (فضایی و زمانی)، منظر ذهنی ارزیابانه، معانی اضمامی، سرزندگی وغیره (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).

نگارندگان این نوشتار بر این عقیده هستند که ابعاد زیبایی شناسی محیطی در طراحی شهری به دو گروه اصلی ابعاد بصری - فرمی و ادراکی - معنایی تقسیم می‌شوند. ابعاد بصری - فرمی در برگیرنده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری و ابعاد ادراکی - معنایی در برگیرنده‌ی خصوصیات ادراکی محیط اجتماعی و رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهر هستند.

بنيادی از فرم شهر است که نقشی قابل توجه در ثبات، تداوم، هویت، اصالت و معنی هر شهر دارد. همچنین دیده شد که ویژگی های زیبایی شناسی محیطی همواره نقشی برجسته در شکل گیری استخوان بندي اصلی شهرها داشته اند. همچنین در این نوشتار ابعاد زیبایی شناسی محیطی فرم شهر به دو گروه ابعاد بصری - فرمی و ابعاد ادراکی - معنایی تقسیم شده اند. این ابعاد عبارتند از:

۱. ابعاد زیبایی شناختی - فرمی شامل: کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن، کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها، تداوم، تنوع فرمها، کیفیت دیدها و چشم اندازها و

پادشاهی متعدد بوده است که تعدادی از آنها همچنان باقی است. توجه شاه عباس به توسعه و تکامل و زیبایی اصفهان برای رقابت با پاریس و لندن آن زمان نبوده است، بلکه هدف وی از رونق انداختن قسطنطینیه پایتخت دشمن درجه یک ایران بود. از اینرو تصمیم گرفت اصفهان را که پایتخت امپراتوری صفویه بود چنان بیاراید که مورد توجه سیاحان، تجار و سفرای خارجی قرار گیرد (شفتی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹).

جمع بندی و نتیجه گیری

گفته شد که استخوان بندي اصلی هر شهر مشخصه ای

جدول ۳. تبیین نقش ویژگی های زیبایی شناسی محیطی در استخوان بندي اصلی شهر اصفهان. مأخذ: نگارندهان.

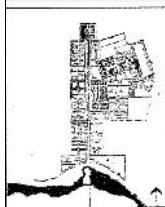
نام شهر	ویژگی های استخوان بندي شهر اصفهان در دوره صفویه	ابعاد زیبایی شناسی محیطی	چگونگی تاثیر مؤلفه های زیبایی شناسی محیطی
اصفهان، ایران	شهر اصفهان در دوره صفویه چهاربخش اصلی تقسیم می شده است: بخش اول: شهر قبیم اصفهان و توسعه آن بدست شاه عباس تا دروازه حسن آباد در جنوب شرقی، بخش دوم شهر جدید صفوی : محله تبریز نو یا عباس آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم محله جلفا (ارمنی نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم گبر آباد در جنوب شرقی. احداث محور شماری - جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارجریب در دامنه کوه صفه ، عاملی است در جهت پیوند و اتصال بخش های چهارگانه شهر. عملکردی که از دو محور اصلی شهر (چهارباغ و زاینده رود) و اتصال آن دو با یکدیگر پدید می آید، عملکردی تقریحی، عمومی، خصوصی و سلطنتی است.	ابعاد بصری - فرمی	کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن
	کیفیت منظر توده ها و بناها و عناصر آنها		وجود فضاهای هندسی، منظمه و وسیع
	کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها		وجود فضاهای متباین و تنوع فضایی
	تمدن		دیدها و چشم اندازهای محوری
	کیفیت دیدها و چشم اندازها		هماهنگی با زمینه
	تنوع فرمها		وجود تنوعی از محصوریت فضایی
	هماهنگی با زمینه		تاكید بر بناهای اصلی در فضاهای عمومی
	میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ نقش ساختمانی در شکل گیری بافت شهری دارند. این دو فضا ایجاد کننده دو شبکه متمایز اند که باغها و حیاطها را سازمان می دهند. میدان سازماندهی بافت تودر توبی دولتخانه را به عنده دارد در حالیکه خیابان چهارباغ تعیین کننده جهت باغهای کنار آن و زوایای شبکه خیابان های عمودی محله شمس آباد، عباس آباد و چرخاب است.	ابعاد معنایی - ادرakes	هویت
	معنی		تداوم و اتصال بافت های قدیمی تر و جدید تر به یکدیگر
	قابلیت ادراک		بندهنگاری های منظم با معماری خاص و ترتیبات ویژه
	تصویر ذهنی منسجم		محیط فرهنگی و اجتماعی
	غنجی فعالیت ها		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۶

اصفهان، ایران



هماهنگی با زمینه؛

۲. ابعاد ادراکی- معنایی شامل: هویت، خوانایی، معنی، (بصری- فرمی و ادراکی- معنایی) و انگاره‌های وابسته به قابلیت ادراک، تصویر ذهنی منسجم، سازی، محیط آنها تدقیق شده است.

فرهنگی و اجتماعی، غنای فعالیت‌ها. در همین زمینه و

جدول ۴. ابعاد زیباشناصی محیطی در طراحی شهری. مأخذ: نگارندگان.

بعاد زیباشناصی محیطی	مفهوم	کیفیت منظر طبیعی زمین
شکل و فرم زمین	شکل زمین چگونه است؟ پستی و بلندی های آن چگونه است؟	کیفیت منظر طبیعی زمین
گیاهان و درختان	چه نوع درختانی در حوزه مورد نظر به کار گرفته شده‌اند؟ موقعیت مکانی، گونه‌ها، وضعیت، ابعاد.	
بافت زمین	جنس و مصالح سطح زمین چگونه است؟ آیا دارای ویژگی های قابل احساس و تاثیر گذار هست؟	
جهت گیری	نحوه ارتباط شبیه زمین در سایت مورد نظر با بهره‌مندی از نور طبیعی و ویژگی های اقلیمی چگونه است؟	
۴	معماری زمینه و بافت موجود چگونه است؟ آیا دارای قانونمندی‌های مشخص هست؟ آیا به این قانونمندی‌ها توجه شده است؟	هماهنگی با زمینه
حفظ پیوستگی تاریخی	شکل گیری زمینه و بافت موجود در طول زمان چگونه بوده است؟ آیا نوعی تداوم و پیوستگی در دوره‌های مختلف به چشم می‌خورد؟	کیفیت منظر توده‌ها
الگوی توسعه	الگوی خیابان‌بندی بافت و جهت‌های توسعه چگونه است؟ آیا ویژگی های زمینه هماهنگ هست؟	
حفظ هویت کالبدی زمینه	آیا به حفظ جنبه‌ها و ویژگی‌های کالبدی تاریخی و هویتمند بافت در توسعه‌های بعدی توجه شده است؟	
رنگ و بافت	چه رنگ‌ها و بافت‌های شاخصی در ساختمان‌ها، سازه‌ها و سطوح حوزه مورد نظر دیده می‌شود؟	
تنوع نماها و جداره‌ها	چند گونه نمای شاخص در ساختمان‌های حوزه مورد نظر دیده می‌شود؟ آیا این گونه‌ها متنوع هستند؟	کیفیت منظر توده‌ها
عناصر ساختمانی ویژه	آیا عناصر ساختمانی خاص (بنجره‌ها، درها، کنج‌ها، نرده‌ها و حفاظ‌ها، بالکن‌ها و دودکش‌ها) در حوزه مورد نظر وجود دارند؟	
ریتم و الگو	ترکیب توده‌ها در حوزه مورد نظر از چه نظم و قواعدی برخوردار است؟ آیا الگوها و ریتم‌های واضح و قابل تشخیص وجود دارند؟	
جزئیات جذاب	آیا از قابلیت جزئیات و مصالح ساختمانی در جهت افزودن به جذابیت توده‌ها استفاده شده است؟	
مصالح ساختمانی	چه نوع مصالح ساختمانی در توده‌هایی که فضاهای عمومی را شکل می‌دهند، به کار رفته‌اند؟	دانه‌بندی و تراکم بافت کالبدی
فرسودگی کالبدی توده‌ها	عمر ساختمان‌ها و سازه‌های حوزه مورد نظر چقدر است؟ آیا فرسودگی کالبدی در توده‌ها وجود دارد؟	
دانه‌بندی و تراکم	آیا دانه‌بندی توده‌ها از تعادل بهره‌مند است؟ آیا هماهنگی ارتفاعی در تراکم ساختمانی به چشم می‌خورد؟	



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

آیا خطوط ساختمان‌ها ممتد بوده و یا انفصل و عقب نشینی‌های غیر معمول در آن ها وقته ایجاد کرده است؟	تداوم قانونمندی در بدندها	تداوم
فعالیت در جداره‌های طبقه همکف، متداوم است یا منفصل؟ آیا تداوم جداره‌های فعال در طول بدندها حفظ شده است؟	جداره‌های فعال	
آیا فضاهای عمومی در معرض دید قرار دارند؟	نفوذ پذیری بصری	
جذاب‌ترین ویژگی‌های بصری حوزه مورد نظر چیست؟	تناسبات بصری	
کیفیت ساخت و مصالح به کار رفته در کف سازی، دیوارها، پله‌ها و شبیب فضاهای عمومی چگونه است؟	کیفیت ساخت و مصالح	کیفیت منظر فضاهای عمومی
چه درختان، باعچه‌ها یا نواحی چمن کاری شده یا فضاهای سبزی در فضاهای عمومی وجود دارند؟	فضای سبز	
چه نوع علائم، نیمکت‌ها، سطلهای زباله، راه بدندها و نرده‌هایی در فضاهای عمومی حوزه مورد نظر وجود دارند؟	مبلمان شهری	
چه ایستگاه‌های اتوبوس، کیوسک‌ها، دکه‌ها، مراکز اطلاع رسانی، پل‌های عابر پیاده، چراغ‌های راهنمایی و سازه‌ها در محل وجود دارند؟	وجود سازه‌هایی با قابلیت جایجایی	
آیا ساختمان‌هایی که خط آسمان‌فضای عمومی را به وجود می‌آورد واجد کیفیت همانگی و یا تاکید هستند؟	خط آسمان	تنوع فرم‌ها
منظر بام محل از درون و بیرون حوزه مورد نظر چگونه است؟	خط بام	
آیا نوع نورپردازی و ویژگی‌های عناصر منظر شبانه به ارتقا کیفیت فضاهای عمومی کمک می‌کنند؟	منظر شبانه	
چه جنبه‌هایی از حوزه مورد نظر یا ساختمان‌های موجود آن به قابلیت محل برای پذیرش تنوع فرم‌ها کمک می‌کنند؟	گوناگونی ساختارها و قانونمندی‌ها	
آیا تنوع جزئیات در شکل‌ها و فرم بنها در حوزه مورد نظر به تنوع فرم‌ها منجر شده است؟	گوناگونی جزئیات	کیفیت دیدها و چشم‌اندازها
آیا دیدهای با کیفیت و متباین از درون حوزه مورد نظر به سمت عناصر واقع در حوزه وجود دارد؟	دیدهای بسته	
آیا محل‌هایی در حوزه مورد نظر وجود دارند که فرصت بهره‌مندی از دید پانوراما به محدوده‌های مشخص از سایت را به استفاده کننده از فضا بدنهند؟	دیدهای یکپارچه و پانوراما	
آیا از درون حوزه مورد نظر به مناطر دوردستی که واجد کیفیت باشند فرصت دید مطلوب وجود دارد؟ آیا از نقاط دوردست خارج از محدوده مورد نظر، دید به مناظری با کیفیت در حوزه مورد نظر وجود دارد؟	دیدهای راهبردی	
آیا در حوزه مورد نظر «کریدور دید» که در برگیرنده فرصت دید محوری به نشانه‌های مهم شهری و کیفیت‌های بصری باشد وجود دارد؟	دیدهای محوری	هویت
آیا حدود حوزه مورد نظر با عناصر ویژه و قابل تشخیص کاملاً مشخص شده است؟	حدود واضح و روشن	
آیا مرزها و موانعی ویژه به خصوص در لبه (یا داخل) حوزه مورد نظر وجود دارد که به حوزه مورد نظر شخصیت ویژه‌ای ببخشند؟	لبه‌ها و موانع	
آیا آستانه‌هایی را در لبه و یا درون ناحیه (به طور بالفعل و بالقوه) می‌توان شناسایی نمود که در آن‌ها سکانس‌ها، کارکرد و کاراکتر حوزه مورد نظر تغییر کند؟	آستانه‌ها	
آیا در حوزه مورد نظر ساختمان‌هایی وجود دارد که به دلیل ارزش معماری یا تاریخی شان به شناخته شده باشند؟	بناهای شاخص و تاریخی	
آیا اجتماعات محلی همگن در حوزه مورد نظر شکل گرفته است؟	اجتمعات محلی	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۹۹

<p>آیا ساختمان‌ها و سازه‌های انسان‌ساخت یا عناصر سبز و طبیعی (واقع در حوزه مورد نظر یا قابل رؤیت از محل) وجود دارند که در مقابل منظر پس زمینه خود به طور شاخص و برجسته ادراک می‌شوند؟</p>	نشانه‌ها	خوانایی
<p>آیا محل‌هایی در لبه حوزه مورد نظر یا درون آن وجود دارند که بتوان آن‌ها را به عنوان دروازه ورود به محل (یا با توانایی و موقعیت بالقوه دروازه) در نظر آورد؟</p>	دوازه‌ها	
<p>آیا حوزه‌های مشخص (از نظر کالبدی، عملکردی یا بافت اجتماعی) در محدوده‌ی مورد نظر وجود دارند که به خوانایی محدوده کمک کنند؟</p>	حوزه‌ها	قابلیت ادراک
<p>آیا نقاطی متمرکر و شاخص با معماری ویژه و همگن در حوزه مورد نظر وجود دارد؟</p>	گره‌های کالبدی	
<p>آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه طراحی، پیچیدگی و تضاد که به درک ارتباط بین عناصر کمک کند وجود دارد؟</p>	پیچیدگی و تضاد	تصویر ذهنی
<p>آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه مورد نظر سازمان و قانونمندی‌های واضح و قابل ادراک وجود دارند؟</p>	نظم و هماهنگی	
<p>آیا افراد (ساکنین و افراد غریبه) تصویر ذهنی واضح از محل دارند؟ اگر دارند این تصویر چگونه است؟</p>	منظر ذهنی و ادراک	منسجم
<p>آیا در حوزه مورد نظر رویدادها و فستیوال‌های فرهنگی و هنری دوره‌ای برگزار می‌گردد؟</p>	رویدادها و همایش‌ها	
<p>آیا حوزه مورد نظر دارای میراث‌های فرهنگی مربوط به شیوه زندگی مردم در گذشته و حال می‌باشد؟</p>	جنبه‌های میراث فرهنگی	محیط فرهنگی و اجتماعی
<p>آیا در حوزه مورد نظر نقاط فعالیت‌ها و تلاقي مسیرها وجود دارد؟</p>	گره‌های فعالیتی	
<p>آیا کاربری‌ها در حوزه مورد نظر در عین گوناگونی دارای هماهنگی و سازگاری هستند؟</p>	پنهنه بندی و سازگاری فعالیتی	غناه فعالیت‌ها
<p>آیا ترکیب کاربری‌ها و اختلاط فعالیت‌ها برای حوزه مورد نظر مناسب است؟</p>	اختلاط کاربری‌ها	

امید است نتایج حاصل از این پژوهش بتواند در تحلیل بصری - زیبایی شناختی فرم‌کلان شهرهای معاصر ایران براساس ابعاد زیبایی شناختی محیطی استفاده شود.

انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری نمونه موردي: محله عباسی تهران، نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، سال دوم، شماره ۲

۵. بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، مترجم: طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۷. احمدی، بابک (۱۳۷۸). حقیقت و زیبایی: درس فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.

۸. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹)، ارزیابی زیبایی و هویت اصلی شهر نمونه موردي در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پر迪س هنرهای زیبا، دانشکده معماری و شهرسازی.

۹. انصاری مجتبی، پور جعفر محمد رضا، صادقی علیرضا و مهدی حقیقت بین (۱۳۸۸). بازناسی

۱۰. بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۰۰

- فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۲. تولابی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارات امیرکبیر، تهران
۲۳. جنکس، چارلز (۱۳۸۳) پست مدرن چیست، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، نشرنی، تهران
۲۴. جورابچی، کیوان (۱۳۸۲) زبان مسکن شهری، پایان نامه ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. حمیدی، مليحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب‌پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین‌المللی پیش‌بینی برای زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۲۶. حمیدی، مليحه (۱۳۷۵)، کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۲۷. حمیدی، مليحه (۱۳۷۶)، استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران
۲۸. شپرد (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین. تهران: هرمس
۲۹. شفتی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
۳۰. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۳۱. ضمیران، محمد (۱۳۷۷) جستارهای پدیدارشناسانه پیرامون هنروزی‌بایی، تهران: نشرکانون
۳۲. ضمیران، محمد (۱۳۸۰) اندیشه فلسفی در پایان هزاره دوم، هرمس، تهران
۳۳. کوآن، رابت (۱۳۸۵). اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کوشش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۴. طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
۳۵. کریم، راب (۱۳۷۵) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران، جهاد دانشگاهی.
- مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۹. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. بیکن، ادموند (۱۳۷۶)، طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) الف) سیمای شهرآنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (دور جدید).
۱۲. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵) ب) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، جلد اول، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۳. پاکزاد؛ جهانشاه، (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری، مطالبه معوقه شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره
۱۴. پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهیدی
۱۵. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۶. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۱)، معیارهای طراحی شهری در طراحی مساجد، فصلنامه مدرس هنر، شماره ۱.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، توجه به معیارهای طراحی شهری در انتخاب سایت مخابراتی تهران، فصلنامه آبادی، شماره ۳۸
۱۸. پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵)، مبانی طراحی محورهای شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (دور جدید).
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام
۲۰. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۱. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی

- شهری و پایه‌های فلسفی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱ (۱۳۸۹). گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس
۵۱. میرفدرسکی، محمدامین (۱۳۷۴)، باع به متابه‌ی بیش آیند شهر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بهم-کرمان ۵۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبکهای معماری وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۵۳. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) (ا) رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، تابستان.
۵۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴) (الف) جایگاه طبیعت و محیط‌زیست در فرهنگ و شهرهای ایران، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
۵۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) (الف) تأثیر معماری و شهربر ارزش‌های فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان.
۵۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی، اصفهان، سازمان فرهنگی تربیتی شهرداری اصفهان.
۵۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) (الف) معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، راهیان.
۵۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) (ب) مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألفی، اصفهان: راهیان.
۵۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) (الف) شهر و معماری اسلامی تجلیات و عینیات اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) (ب) مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۱. نیوتون، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶۲. هاسپرز، جان و اسکراتن راجر (۱۳۸۰). فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه یعقوب آزاد، دانشگاه تهران، تهران.
۳۶. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم ۳۷. گروتر، یورک (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهانشاه پاکزاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. گلکار، کوروش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دوره جدید)
۴۰. گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفه شماره ۳۲
۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۲). از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفه، شماره ۳۶
۴۲. گیدیون، زیگفرید (۱۳۸۱). فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی رضا عینی فر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. لنگ، جان (۱۳۸۶). طراحی شهری، گونه شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۵. لینچ، کوین (۱۳۸۱). سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۶. لینچ، کوین (۱۳۸۱). بازنگری در سیمای شهر ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صفه، شماره ۳۴
۴۷. لینچ، کوین: (۱۳۸۴). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۸. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۴۹. موریس، جیمز (۱۳۷۴)، تاریخ شکل شهر. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات دانشگاه علم و صنعت چاپ دوم
۵۰. مولوی، مهرناز (۱۳۸۴). تحلیل فرمال فضاهای

63. Appelton, J., (1984), "Prospects and refuges revisited" *Landscape Journal* 8
64. Boyer, Ch., (1994), "The city of collective memory", MIT press, USA.
65. Carmona, matthew (2006) Public places –urban spaces, Architectural press, Oxford
66. Encyclopedia of aesthetics (1988). Editor in chief: Michael Kelly, vol (2), entry of formalism, pp 213-225, oxford
67. Encyclopedia of britannica (1991), vol 9, hay cock press
68. Gibberd, F., (1955), *Town Design*", London: Architectural Press.
69. Halprin, L. (1966), "Freeways", New York, Reinhold.
70. Jacobs, J. (1961), "The Death and Life of Great American Cities", New York: Random House
71. Jakson, J. B. (1980), "The necessity for ruins", Amherst; Uinversity of Massachusetts Press.
72. Kaplan. R. and Kaplan. S. (1991), "The Experience of Nature: A Psychological Perspective", Cambridge University. Cambridge, UK
73. Kaplan. S., (1987), "Aesthetics, affect, and cognition: environmental preferences from an evolutionary perspective", *Environment and Behavior* 19.
74. McGann, Jerome (2004). Beauty, the Irreal and the willing assumption of disbelief. *Journal of critical inquiry*, pp 717-738
75. Norberg-Schulz, C., (1981), "Genius Loci: Paysage, Ambiance, Architecture", Brussels; Mardaga.
76. Relph, E. (1976), "Place and Placelessness, pion" London.
77. Newman, O, (1972), "Defensible space : people and design in the violent city", London, Architectural Press.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۰۲